

اخلاق در جنگ؛

تحلیل محتوای مکاتبات امیرالمومنین علی (علیه السلام) و معاویہ

نوشته: محمد جانی پور

با مقدمه: دکتر حسن بشیر

انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی: ۱۵۹ - ۱۴۶۵۵
E-mail: isu.press@yahoo.com
فروشگاه اینترنتی: www.ketabesadiq.ir



اخلاق در جنگ (تحلیل محتوای مکاتبات امیر المؤمنین علی علیه السلام و معاویه) ■ تألیف: محمد جانی پور
بامقدمه: دکتر حسن بشیر ■ ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ ویراستار ادبی: محمدرضا رحمتی
نمایه‌سازی: رضا دیبا ■ چاپ اول: ۱۳۹۰ ■ قیمت: ۵۰۰۰ ریال ■ شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: زلال کوثر ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۱۳۱-۶
همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: جانی پور، محمد ۱۳۶۱-
عنوان قرارداد: نهج البلاغه. فارسی، برگزیده. شرح
عنوان و نام پدیدآور: اخلاق در جنگ: تحلیل محتوای مکاتبات امیر المؤمنین علی علیه السلام و
معاویه/نوشته محمد جانی پور؛ با مقدمه حسن بشیر.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۲۷۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۱۳۱-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - نامه‌ها
موضوع: معاویه بن ابی سفیان، خلیفه اموی، ۲۰ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - نامه‌ها
موضوع: جنگ صفین، ۳۶ ق. - جنبه‌های اخلاقی
شناسه افزوده: بشیر، حسن، ۱۳۳۳ - مقدمه‌نویس
شناسه افزوده: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - نهج البلاغه. برگزیده.
شرح
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۳۰ الف ج ۴۲۲/۲۸ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱۵
شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۱۹۵۲۵

فهرست مطالب

۱۵	سخن ناشر
۱۷	مقدمه
۲۹	دیباچه
۳۱	فصل ۱. شرایط سیاسی - اجتماعی دوران حکومت امیرالمومنین (ع)
۳۱	مقدمه
۳۲	۱-۱. اولین اصلاحات حضرت (ع)
۳۳	۲-۱. اولین دشمنی‌ها با حضرت (ع)
۳۴	۳-۱. پیش‌بینی پیامبر (ص) در خصوص جنگ با حضرت علی (ع)
۳۶	۴-۱. جنگ صفین
۳۶	۱-۴-۱. قاسطین
۳۷	۲-۴-۱. بررسی شخصیت معاویه
۴۰	۳-۴-۱. بررسی شخصیت عمرو بن عاص
۴۱	۴-۴-۱. علل شکل‌گیری جنگ صفین
۴۲	۵-۴-۱. روزشمار جنگ صفین
۴۴	۶-۴-۱. لیلۀ الهزیر
۴۵	۷-۴-۱. تلاش معاویه برای اتمام جنگ
۴۷	۸-۴-۱. تلاش اشعث بن قیس برای اتمام جنگ

۴۸	۱-۴-۹. پایان غم انگیز جنگ
۴۹	۱-۵-۵. اعتبارسنجی منابع مکاتبات
۴۹	۱-۵-۱. نهج البلاغه
۵۴	۱-۵-۲. کتاب الامامه و السياسه
۵۹	۱-۵-۳. کتاب انساب الاشراف
۶۵	۱-۵-۴. کتاب الفتوح
۶۷	۱-۵-۵. کتاب اخبار الطوال
۶۸	۱-۵-۶. کتاب وقعة الصفین
۷۰	۱-۵-۷. کتاب الغارات
۷۱	۱-۵-۸. شرح کبیر نهج البلاغه ابن میثم
۷۵	۱-۵-۹. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید
۷۸	۱-۵-۱۰. منابع دیگر و استنادات جمعی مورخین
۸۱	فصل ۲. تحلیل محتوای کمی مکتوبات
۸۱	مقدمه
۸۲	۲-۱. معرفی اجمالی روش تحلیل محتوا
۸۶	۲-۱-۱. تکنیک اتخاذ شده در این تحقیق
۸۸	۲-۱-۲. جداول تحلیل محتوا
۸۸	۲-۱-۲-۱. محتوا یا متن
۸۹	۲-۲-۱-۲. موضوعات اصلی یا جهت گیری محتوا
۸۹	۲-۲-۱-۳. موضوعات فرعی یا نقاط تمرکز محتوا
۹۱	۲-۱-۲-۴. کد گذاری
۹۲	۲-۲. فراوانی کلمات
۹۴	۲-۳. فراوانی کلید واژگان
۹۵	۲-۳-۱. علت انتخاب سیستم شمارش جهت کمی کردن داده ها
۹۶	۲-۳-۲. کلید واژگان نامه های حضرت علی (ع)

۳-۳-۳. کلید واژگان نامه‌های معاویه.....	۹۹
۴-۲. فراوانی موضوعات اصلی.....	۱۰۱
۲-۴-۱. تعاریف عملیاتی قالب‌های تحلیل محتوا.....	۱۰۲
۲-۴-۲. موضوعات اصلی نامه‌های حضرت علی (ع).....	۱۰۴
۲-۴-۳. موضوعات اصلی نامه‌های معاویه.....	۱۰۶
فصل ۳. تحلیل محتوای کیفی مکتوبات.....	۱۰۹
۳-۱. بخش اول: نامه‌های قبل از جنگ صفین.....	۱۰۹
۳-۱-۱. نامه اول حضرت علی (ع): درخواست بیعت از معاویه و شامیان.....	۱۰۹
۳-۱-۲. نامه دوم حضرت علی (ع): درخواست بیعت از معاویه و شامیان.....	۱۱۴
۳-۱-۳. نامه سوم حضرت علی (ع): تهدید معاویه به جنگ در صورت عدم بیعت.....	۱۱۹
۳-۱-۴. پاسخ اول معاویه به نامه‌های حضرت علی (ع): اتهام قتل عثمان به حضرت.....	۱۲۰
۳-۱-۵. پاسخ حضرت علی (ع) به معاویه و اشاره به دشمنی بنی امیه با اسلام.....	۱۲۴
۳-۱-۶. نامه حضرت (ع) و تأکید بر عمومی بودن بیعت مسلمانان با ایشان.....	۱۳۱
۳-۱-۷. پاسخ معاویه و بیان اتهام قتل عثمان به عنوان علت عدم بیعت وی.....	۱۴۰
۳-۱-۸. پاسخ حضرت (ع) به اتهامات معاویه در رابطه با قتل عثمان و جنگ جمل.....	۱۴۵
۳-۱-۹. نامه معاویه و دعوت حضرت به ترک حسد.....	۱۵۱
۳-۱-۱۰. نامه حضرت (ع) و بیان بی فایده بودن نصیحت معاویه.....	۱۵۳
۳-۱-۱۱. نامه معاویه و تهدید حضرت علی (ع) به جنگ.....	۱۵۶
۳-۱-۱۲. نصیحت حضرت (ع) به معاویه برای پرهیز از دنیاطلبی.....	۱۵۸
۳-۱-۱۳. نصیحت مجدد حضرت (ع) به معاویه برای پرهیز از دنیاگرایی.....	۱۷۰
۳-۱-۱۴. پاسخ معاویه به نامه‌های حضرت و اهانت به ایشان.....	۱۷۵
۳-۱-۱۵. نامه حضرت (ع) خطاب به معاویه و قریشیان و اتمام حجت با ایشان.....	۱۷۷
۳-۱-۱۶. نامه معاویه به سفارش خولانی.....	۱۸۴
۳-۱-۱۷. پاسخ حضرت به نامه خولانی.....	۱۹۱
۳-۱-۱۸. پاسخ معاویه با شعر و اعلان تصمیم نهایی خود برای جنگ.....	۲۱۰

- ۳-۱-۱۹. پاسخ حضرت با آیه قرآن..... ۲۱۱
- ۳-۲. بخش دوم؛ مکاتبات در طول جنگ صفین..... ۲۱۲
- ۳-۲-۱. نامه حضرت در ابتدای جنگ صفین..... ۲۱۲
- ۳-۲-۲. پاسخ معاویه به نامه حضرت..... ۲۴۰
- ۳-۲-۳. نامه حضرت در جواب معاویه..... ۲۴۳
- ۳-۲-۴. نامه سرزنش آمیز حضرت علی (ع) به معاویه..... ۲۵۱
- ۳-۲-۵. پاسخ معاویه همراه با شعر..... ۲۵۳
- ۳-۲-۶. نامه حضرت علی (ع) و تهدید معاویه به شکست در جنگ..... ۲۵۴
- ۳-۲-۷. نامه معاویه برای درخواست حکومت شام و اتمام جنگ..... ۲۵۹
- ۳-۲-۸. پاسخ حضرت به نامه معاویه..... ۲۶۳
- ۳-۲-۹. نامه معاویه به حضرت علی (ع) و دعوت به حکمیت..... ۲۶۹
- ۳-۲-۱۰. نامه مجدد معاویه به حضرت و درخواست پذیرش حکمیت..... ۲۷۲
- ۳-۲-۱۱. پاسخ حضرت علی (ع) به معاویه بعد جریان قرآن به نیزه شدن..... ۲۷۷
- ۳-۲-۱۲. نامه سوم معاویه برای دعوت حضرت به حکمیت و قرآن..... ۲۸۱
- ۳-۲-۱۳. نامه حضرت به معاویه برای آزادی اسیران صفین..... ۲۸۴
- فصل ۴. تحلیل محتوای توصیفی مکتوبات..... ۲۸۹
- مقدمه..... ۲۸۹
- ۴-۱. علت اهمیت مباحث کمی..... ۲۹۰
- ۴-۲. دست یابی به کفایت نظری..... ۲۹۱
- ۴-۳. یادداشت‌های نظری تحقیق..... ۲۹۴
- ۴-۴. مقایسه فراوانی مقوله‌های مطرح شده..... ۲۹۷
- ۴-۴-۱. مقوله بیعت..... ۲۹۸
- ۴-۴-۱-۱. مقوله بیعت در کلام حضرت علی (ع)..... ۲۹۸
- ۴-۴-۲. جایگاه بیعت در اسلام..... ۳۰۲
- ۴-۴-۳. مقوله بیعت در کلام معاویه..... ۳۰۶

۳۰۹.....	۴-۲-۲. مقوله قتل عثمان.....
۳۰۹.....	۴-۲-۱. مقوله قتل عثمان از منظر حضرت علی (ع).....
۳۱۴.....	۴-۲-۲. مقوله قتل عثمان از منظر معاویه.....
۳۱۷.....	۴-۳-۳. مقوله نصایح.....
۳۱۷.....	۴-۳-۱. نصایح حضرت علی (ع) به معاویه.....
۳۲۱.....	۴-۴-۴. مقوله جنگ صفین.....
۳۲۲.....	۴-۴-۱. مدل تحلیل منطقی یک جنگ.....
۳۲۳.....	۴-۴-۲. ریشه‌های جنگ صفین در کلام حضرت علی (ع).....
۳۲۴.....	۴-۴-۳. شخصیت معاویه در کلام حضرت علی (ع).....
۳۳۱.....	۴-۵-۵. سلسله استیلاهای حضرت در مقابل معاویه.....
۳۳۱.....	۴-۵-۱. تهمت‌ها.....
۳۳۲.....	۴-۵-۱-۱. اتهام کشتن صحابه پیامبر و بی‌احترامی به عایشه.....
۳۳۳.....	۴-۵-۱-۲. اتهام قتل عثمان و حمایت از قاتلان او.....
۳۳۸.....	۴-۵-۲. انتقادات.....
۳۳۸.....	۴-۵-۲-۱. اشاره به دوستی بنی امیه و بنی هاشم.....
۳۴۰.....	۴-۵-۲-۲. انتقاد به روحیه جنگ طلبی امام (ع).....
۳۴۳.....	۴-۶-۷. دلایل حضرت برای نامه نگاری با معاویه.....
۳۴۵.....	۴-۶-۱. اهداف معاویه از نبرد تبلیغاتی با حضرت علی (ع).....
۳۴۷.....	۴-۶-۲. حکمت پاسخ‌های امام (ع) به معاویه.....
۳۵۳.....	نتیجه‌گیری.....
۳۶۱.....	منابع و مأخذ.....
۳۶۹.....	نمایه‌ها.....

فهرست جداول

جدول ۱: مقایسه فراوانی کلمات حضرت علی (ع) و معاویه	۹۳
جدول ۲: فراوانی کلید واژگان نامه‌های حضرت علی (ع)	۹۷
جدول ۳: کلید واژگان نامه‌های معاویه	۹۹
جدول ۴: فراوانی موضوعات اصلی نامه‌های حضرت علی (ع)	۱۰۵
جدول ۵: موضوعات اصلی نامه‌های معاویه	۱۰۷
جدول ۶: تحلیل محتوای نامه شماره ۱-۱	۱۱۴
جدول ۷: تحلیل محتوای نامه شماره ۲-۱	۱۱۸
جدول ۸: تحلیل محتوای نامه شماره ۳-۱	۱۲۰
جدول ۹: تحلیل محتوای نامه شماره ۴-۱	۱۲۲
جدول ۱۰: تحلیل محتوای نامه شماره ۵-۱	۱۲۷
جدول ۱۱: تحلیل محتوای نامه شماره ۶-۱	۱۳۶
جدول ۱۲: تحلیل محتوای نامه شماره ۷-۱	۱۴۲
جدول ۱۳: تحلیل محتوای نامه شماره ۸-۱	۱۴۷
جدول ۱۴: تحلیل محتوای نامه شماره ۹-۱	۱۵۲
جدول ۱۵: تحلیل محتوای نامه شماره ۱۰-۱	۱۵۵
جدول ۱۶: تحلیل محتوای نامه شماره ۱۱-۱	۱۵۷
جدول ۱۷: تحلیل محتوای نامه شماره ۱۲-۱	۱۶۳
جدول ۱۸: تحلیل محتوای نامه شماره ۱۳-۱	۱۷۲
جدول ۱۹: تحلیل محتوای نامه شماره ۱۴-۱	۱۷۷
جدول ۲۰: تحلیل محتوای نامه شماره ۱۵-۱	۱۸۱
جدول ۲۱: تحلیل محتوای نامه شماره ۱۶-۱	۱۸۸
جدول ۲۲: تحلیل محتوای نامه شماره ۱۷-۱	۲۰۱
جدول ۲۳: تحلیل محتوای نامه شماره ۱۸-۱	۲۱۱
جدول ۲۴: تحلیل محتوای نامه شماره ۱۹-۱	۲۱۱

جدول ۲۵: تحلیل محتوای نامه شماره ۱-۲.....	۲۲۵
جدول ۲۶: تحلیل محتوای نامه شماره ۲-۲.....	۲۴۲
جدول ۲۷: تحلیل محتوای نامه شماره ۳-۲.....	۲۴۷
جدول ۲۸: تحلیل محتوای نامه شماره ۴-۲.....	۲۵۲
جدول ۲۹: تحلیل محتوای نامه شماره ۵-۲.....	۲۵۴
جدول ۳۰: تحلیل محتوای نامه شماره ۶-۲.....	۲۵۶
جدول ۳۱: تحلیل محتوای نامه شماره ۷-۲.....	۲۶۱
جدول ۳۲: تحلیل محتوای نامه شماره ۸-۲.....	۲۶۶
جدول ۳۳: تحلیل محتوای نامه شماره ۹-۲.....	۲۷۱
جدول ۳۴: تحلیل محتوای نامه شماره ۱۰-۲.....	۲۷۵
جدول ۳۵: تحلیل محتوای نامه شماره ۱۱-۲.....	۲۷۹
جدول ۳۶: تحلیل محتوای نامه شماره ۱۲-۲.....	۲۸۲
جدول ۳۷: تحلیل محتوای نامه شماره ۱۳-۲.....	۲۸۶
جدول ۳۸: مقوله بیعت در کلام حضرت علی (ع).....	۲۹۹
جدول ۳۹: مقوله بیعت در کلام معاویه.....	۳۰۷
جدول ۴۰: مقوله قتل عثمان در کلام حضرت علی (ع).....	۳۱۰
جدول ۴۱: مقوله قتل عثمان در کلام معاویه.....	۳۱۴
جدول ۴۲: مقوله نصاب مطرح شده در کلام حضرت علی (ع).....	۳۱۷

فهرست نمودارها

- نمودار ۱: فراوانی کلمات حضرت علی (ع) و معاویه ۹۴
- نمودار ۲: فراوانی کلیدواژگان نامه‌های حضرت علی (ع) ۹۸
- نمودار ۳: فراوانی کلید واژگان نامه‌های معاویه ۱۰۱
- نمودار ۴: فراوانی موضوعات اصلی نامه‌های حضرت علی (ع) ۱۰۶
- نمودار ۵: موضوعات اصلی نامه‌های معاویه ۱۰۸
- نمودار ۶: حرکت رفت و برگشتی جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها برای دستیابی به کفایت نظری ... ۲۹۳
- نمودار ۷: فرایندهای به هم وابسته جمع‌آوری، تنظیم و تحلیل داده‌ها ۲۹۴
- نمودار ۸: مقوله‌های بیعت در نامه‌های حضرت علی (ع) ۳۰۲
- نمودار ۹: جایگاه بیعت در اسلام ۳۰۶
- نمودار ۱۰: مقوله بیعت در نامه‌های معاویه ۳۰۹
- نمودار ۱۱: مقوله قتل عثمان در کلام حضرت علی (ع) ۳۱۳
- نمودار ۱۲: مقوله قتل عثمان در کلام معاویه ۳۱۶
- نمودار ۱۳: نصایح مطرح شده در کلام حضرت علی (ع) ۳۲۱
- نمودار ۱۴: مدل تحلیل منطقی یک جنگ ۳۲۲
- نمودار ۱۵: ریشه‌های جنگ صفین ۳۲۴
- نمودار ۱۶: شخصیت معاویه در کلام حضرت علی (ع) ۳۳۰
- نمودار ۱۷: زنجیره استدلال‌های حضرت علی (ع) در برابر معاویه ۳۴۲

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
 وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
 (قرآن کریم: سوره مبارکه النمل: آیه شریفه ۱)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متاثر و دگرگون می‌سازد. از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و به‌رمندی از نتایج آنهاست. ازاین منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به‌حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که بیش از «ربع قرن» تجربه دارد و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود در طلیعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام باتوجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

مطالعه تاریخ اسلام نیازمند تحول اساسی است. این تحول نیازمند تجدید نظر در نگاه به اصل تاریخ و حوادث تاریخی است. تحول مورد نظر، تحول صوری در تغییر رازگان مرتبط با تاریخ، تاریخ نگاری، تاریخ پژوهی و غیره نیست. این حوزه نیز نیازمند نوعی از بازنگری مفهومی و مصداقی می باشد. اما فراتر از آن تحول مزبور نیازمند یک تغییر ساختاری در جهت گیری نگاه به تاریخ و حادثه تاریخی و تحول در شیوه بکارگیری روش های گوناگون در کشف ناگفته های تاریخی است. ناگفته ها را می توان در این زمینه به دو گونه ارزیابی کرد، ناگفته هایی که فراتر از گفته های موجود است و از متن موجود غایب می باشند و ناگفته هایی که می توان بر مبنای متن، قرائت نمود و کشف کرد. آنچه که در این رابطه مد نظر است هر دو شیوه از کشف است. اما این کشف، اگر تا کنون به شکل بهینه انجام نگرفته است و قرائت تاریخ بر مبنای شیوه های معمول دچار نوعی از رکود معنایی یا ایستائی تاثیرگذاری و عبرت انگیزی شده است، بیشتر از آنکه متأثر از بودن یا نبودن متن تاریخی باشد، تحت تاثیر شیوه هایی بوده است که به پارادایم غالب در مطالعه گفتمان تاریخ تبدیل شده اند. این معضل تاریخی، تاریخ را وارد حوزه هایی از مطالعات موضوعی کرده است که اگر هم حجیم، مفید و قابل

توجه نیز باشند، اما پرسش‌های اساسی درباره تاریخ را بدون پاسخ مناسب رها کرده‌اند. آیا تاریخ، باید همچون یک متن تولید شده در برهه‌ای از زمان که بر آن چیرگی «همزمانی» به یک جریان دائمی برای تحلیل تبدیل شده است، مورد مطالعه قرار داد؟ آیا حادثه تاریخی، یک حادثه‌ای است که علیرغم وقوع در زمان خاص، می‌تواند قدرت «درزمانی» خود را در تاثیرگذاری، نوع تحلیل، ارتباط آن با عناصر فرازمانی، امکان مقایسه‌ای، و غیره داشته باشد؟ آیا می‌توان از یک متن تاریخی، به فرامتن «همزمان» و «درزمان» در مراحل قبل، حین و بعد از تولید متن تاریخی دست یافت؟ آیا حوادث گوناگون تاریخ در یک منطقه یا در مناطق مختلف، نوعی از پارادایم‌های مستقل گفتمانی را منعکس می‌کنند یا می‌توانند با همدیگر چه از نظر منطقه‌ای و وحدت مکانی و چه از نظر تفاوت منطقه‌ای و وحدت مناطق ارتباط معنایی داشته باشند؟ آیا تاثیرگذاری تاریخی، یک برداشت ذهنی از شبیه سازی‌های متنی است، یا قرائت از آن نوعی از قرائت حوادث بعدی تاریخی در سایه حوادث قبلی است؟ و نهایتاً آیا می‌توان در قرائت تاریخی از روش‌های مختلف با نگاه میان رشته‌ای استفاده کرد؟

پرسش‌های فوق، تنها بخشی از پرسش‌های موجود در رابطه با مطالعات و تحقیقات مربوط به تاریخ می‌باشند. پرسش‌های فراوان دیگری وجود دارند که هم در مورد چگونگی نگاه به موضوع تاریخ و هم درباره نگاه به مسائل درونی و پیرامونی تاریخ می‌باشند. یکی از ویژگی‌های مطالعات تاریخی زاینده‌گی و تولیدکنندگی آنها در جهت طرح پرسش‌های گوناگونی است که بعضاً زمان و مکان را نادیده گرفته و حتی متن (حادثه تاریخی) را تنها به عنوان سکویی برای دست‌یابی به معناهای دیگر مورد

بهره‌برداری قرار می‌دهد. از این منظر، تاریخ، خود، به یک گفتمان تاریخی تبدیل می‌شود که نیازمند قرائتی از جنس دیگر می‌باشد.

بنابراین، گفتمان تاریخی تاریخ، تنها یک قرائت تاریخی نیست، بلکه یک قرائت گفتمانی از تاریخ است. این قرائت نیازمند، تجدید نظر در نگاه ما به تاریخ از نوعی حادثه یابی، یا حادثه نگاری، یا حادثه پژوهی به گونه‌ای از حادثه پروری، حادثه پنداری و حادثه برداری است. این شیوه از نگاه، نیازمند یک شیفت گفتمانی اساسی در بکارگیری نظریه‌های مربوط به تاریخ و بنظر نگارنده، فراتر از آن، در نحوه بکارگیری روش‌های پژوهش در این زمینه و مهمتر از آن، در چگونگی انتخاب روشهای مزبور با رویکرد میان رشته‌ای است.

تاریخ با نگاه جدید، به یک بستری تبدیل می‌شود که علیرغم اینکه خود یک گفتمان است، خالق گفتمان‌های متعدد، متفاوت، متمایز و مرتبط می‌گردد. این تعدد و تفاوت و تمایز و ارتباط است که ضرورت یک نگاه میان رشته‌ای را بر تحقیقات آن تحمیل می‌کند. پژوهش‌های مربوط به حوزه تاریخ، اگر با شیوه‌های ترکیبی و میان رشته‌ای مورد بررسی و مطالعه قرار نگیرند، قطعاً دچار نوعی از سوگیری، تقلیل‌گرایی، جزئی‌نگری، انحراف معنایی و نتیجه‌گیری مقطعی می‌شوند.

بکارگیری روش‌های مختلف ترکیبی و میان رشته‌ای در مطالعات تاریخ، یک امر سهل و آسان نیست. خود، یک معضلی است که نیازمند گفتمان دیگری است. این گفتمان، از طرفی نیازمند زمینه‌سازی مفهومی و معنایی برای ایجاد پذیرش علمی در میان پژوهشگران و کارشناسان حوزه مطالعات تاریخ است و از طرف دیگر، نیازمند چگونگی شیوه‌های بکارگیری روش‌های مزبور و نیز ارائه مصادیق گوناگون از شیوه‌های مورد نظر

می‌باشد. بدون تبیین آن چگونگی و این مصادیق نمی‌توان به یک افتناع عقلی در این زمینه دست یافت.

از روش‌هایی که می‌توان در مطالعات تاریخی به شکل بهینه استفاده کرده، روش‌هایی است که معمولا در علوم اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این روش‌ها در دو رویکرد کمی و کیفی می‌توانند در حوزه مطالعات تاریخ مورد استفاده قرار گیرند. اگر رویکرد کمی را نوعی از نگاه تاریخ نگاری که شیوه معمول و مورد استفاده مورخان تاریخ بوده و بر دیدگاه توصیفی متکی است، بدانیم، در این زمینه می‌توان گفت که با این رویکرد، تاریخ تا اندازه زیادی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. آنچه که در این زمینه غالب است، بکارگیری رویکردهای کیفی روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی است که می‌توانند در مطالعات تاریخ مورد استفاده قرار گیرند. روش‌هایی از قبیل: تحلیل محتوای کیفی، تحلیل گفتمان، تحلیل نشانه‌شناسی، تحلیل معنایی، تحلیل روایت و امثالهم. این روش‌ها تاکنون برای مطالعه تاریخ مورد توجه جدی قرار نگرفته‌اند. یکی از مشکلات موجود در این رابطه، وجود نوعی از هراس علمی (علم هراسی) از بکارگیری روش‌های کیفی در مطالعات تاریخی، به ویژه تاریخ اسلام است که می‌تواند قرائت‌های فردی، یا برداشت‌ها و تأویل‌های افراد را بسط دهد و اعتبار و روائی تحقیق را مخدوش سازد. رویکرد هرمنوتیکی در این راستا، بیشترین سهم در گسترش پدیده «علم هراسی» در بکارگیری روش‌های کیفی مخصوصا «تحلیل‌های گفتمانی» در حوزه دینی و یا حتی تاریخ دینی داشته است. این رویکرد مطالعه‌ای، زمانی که به حوزه دینی مرتبط می‌شود، به یک حوزه «محظور» تبدیل می‌شود. در حوزه دینی، قطعاً قرائت‌های فردی خارج از معیارهای معلوم و مشخص دینی، فاقد اعتبار و

ارزش می‌باشند. اما، آیا قرائت تاریخ مربوط به حوزه دینی، نه قرائت متن مستقیم دینی، نیز از چنین خطری برخوردار است؟ در این زمینه، باید بررسی جدی صورت گیرد. آیا می‌توان متن دینی را با چنین تفکیک، به حوزه متن مستقیم دینی و متن غیرمستقیم دینی که اولی به متن نوشتاری واصل شده، و دومی به فرایند تولید متن اول (متن مستقیم واصل شده) مرتبط است و نوعی از نگاه گفتمانی تاریخی بر آن حاکم می‌باشد، دانست؟ آیا متن دوم الزاماً نمی‌تواند قرائت‌های گوناگونی را مورد تحمل قرار دهد؟ و آیا این قرائت‌ها بر حقانیت و قدسیت متن اول مستقیم می‌افزایند یا آن را کاهش می‌دهند و شاید آن را به یک متن زمینی و عرفی تبدیل نمایند؟ این پرسش‌ها نیز علاوه بر پرسش‌های قبلی، می‌توانند پرسش‌های اساسی در این حوزه از مطالعات تلقی شوند.

بکارگیری روش‌های کیفی به ویژه تحلیل محتوای کیفی و نیز تحلیل گفتمان از منظر دیگری نیز می‌تواند چالش برانگیز باشد. آیا این شیوه از تحلیل می‌تواند کاشف از معنای جزئی یا معنای کلی در حادثه تاریخی باشد؟ به عبارت دیگر آیا تحلیل محتوای کیفی و تحلیل گفتمان، علیرغم داشتن تفاوت در شیوه و نحوه انجام، می‌توانند از ویژگی تعمیم برخوردار باشند. و فراتر از آن آیا نتایج حاصله از این دو روش، به چه مقدار کاشف از معنای همراه با حادثه یا زائیده شده از حادثه یا معنای گسسته از آن و متولد شده توسط پژوهشگر باشد؟ این پرسش‌ها، زمانی جدی‌تر می‌شوند که بدانیم برداشت‌های متکثر و متنوع در تحلیل‌های کیفی نه تنها یک نقص نیست، بلکه بر غنای پژوهشی می‌افزاید. اگر چنین باشد، بنابراین چگونه می‌توان به اعتبار و روائی نتایج اعتماد کرد؟

مساله اعتبار سنجی در تحلیل‌های کیفی گرچه یک مساله چالشی است اما هیچگاه در این‌گونه تحلیل‌ها رها نشده است. اعتبار سنجی در این روش‌ها، بیش از آنکه به اصل روش بر می‌گردد، با عقلانیت، فراگیری، قدرت استنباط و برداشت و بالاخره به ترتیب و توالی مراحل اجرا بستگی دارد. چنانچه پژوهشگر در هر مرحله نتواند، جایگاه تحلیل را تعیین و تبیین کند و رابطه آن را با قبل و بعد مشخص سازد، دچار مشکل اساسی می‌شود. این موضوع در تحلیل‌های کمی، بیش از آنکه به پژوهشگر بر می‌گردد، به فرمول‌ها و قوانین کمی حاکم بر پژوهش وابسته می‌باشد. به عبارت دیگر، تعیین مراحل تحلیل بیش از آنکه به پژوهشگر بستگی داشته باشد، به جریان حاکم بر روند تحلیل که ریشه در فرمول و قوانین و آمار و به طور کلی عدد دارد، مرتبط می‌باشد.

تحلیل تاریخی گرچه مراحل و شیوه‌های خاص خود را تاکنون داشته است، اما بیش از آنکه رویکرد کیفی، به معنای بکارگیری روش‌های کیفی مورد استفاده در علوم اجتماعی، برای آن مسئولی باشد، رویکرد کمی، به شیوه توصیفی بر آن غلبه داشته است. این رویکرد کمی و توصیفی، گرچه متن را جان مایه معنا می‌داند و در چارچوب متن محصور می‌گردد، اما خود از دیدگاهی دیگر، بخشی از فرایند روش‌های کیفی به حساب می‌آید. به عبارت دیگر، روشهای کیفی هیچگاه کاملاً از روش‌های کمی تحلیل جدا نبوده‌اند، بلکه روش‌های کمی همیشه مورد توجه روش‌های کیفی نیز بوده‌اند. آنچه که در این زمینه محل تامل است، درجه و نسبت حضور دیدگاه کمی در تحلیل‌های کیفی است. عدد، وصف و کمیت همیشه تبیین‌کننده حدود متن و مشخصات آن می‌باشند، که تعیین این حد و مرز و مشخصه‌ها همیشه مورد نیاز تحلیل‌های کیفی نیز بوده است. اصولاً تحلیل‌های کیفی، خارج از

فضای متن عمل نکرده و منفک از حوزه توصیفی و کمی متن نبوده‌اند. آنچه آنها را از روش‌ها و تحلیل‌های کمی متمایز می‌کند، عدم محصور بودن در چارچوب‌های عدد، وصف و کمیت و بالاخره متن و چارچوب‌های توصیفی متن است.

با چنین دیدگاهی می‌توان گفت که تحلیل محتوای کمی نیز می‌تواند در حوزه تاریخ یک حرکت تکمیلی در جهت وصف، تحدید، تعریف، تمیز، تبیین و تفکیک حادثه تاریخی به شمار آید. تحلیل محتوای کمی، گرچه در تلاش است که برجسته‌سازی‌های معنایی را در گزینش کلمات و مفاهیم جستجو کند، اما فراتر از آن به دنبال این است که نسبت این برجسته‌سازی مفهومی را در مقایسه با کلمات و مفاهیم بکار گرفته شده در متن را کشف و نمایان سازد. این حرکت، خود یک تلاش جدی در بکارگیری روش‌های جدید پژوهش در علوم اجتماعی، برای تحلیل تاریخ است.

کتابی که در اینجا تقدیم شده است، با رویکرد تحلیل محتوا در تلاش بوده است که یکی از مهمترین متون تاریخ را مورد تحلیل قرار دهد «مکاتبات مبادله شده میان حضرت علی (علیه السلام) و معاویه در جنگ صفین».

بیکار صفین با معاویه و پیروان وی که در کلام حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) از آنان به "قاسطین" تعبیر شده، از جمله مهمترین حوادثی است که در دوران حکومت کوتاه امیرالمومنین (علیه السلام) روی داده و در حقیقت بزرگترین حادثه دوران حکومت حضرت (علیه السلام) می‌باشد که پیامدها و آثار تأثیرگذاری در تاریخ اسلام داشته است. مطالعه و تحلیل این مکاتبات می‌تواند بسیاری از مضامین مبادله شده را کشف و بازنمایی کند.

مطالعه نامه‌های مبادله شده نیازمند شیوه‌ای از تحلیل بود که فراتر از روش‌های بکار گرفته شده در تحلیل‌های کلاسیک تاریخی است. با چنین

رویکردی است که تلاش گردید از روش تحلیل محتوای کیفی تا آنجایی که امکان پذیر باشد، استفاده شود.

تحقیق ارائه شده، محصول کتاب‌ای است که نگارنده‌ی آن تلاش زاید-الوصفی انجام داد که شیوه‌های جدید تحلیل‌های مرتبط با حوزه علوم اجتماعی را بیاموزد و آن را در متون تاریخی دینی بکار گیرد. کاری است که از دو منظر می‌تواند بدیع و قابل توجه باشد. اول: از این دیدگاه که تاکنون معمول نبوده است که روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی مورد استفاده محققان علوم دینی و الهیات قرار گیرند، گر چه این وضعیت در حال تغییر می‌باشد. دوم، از این دیدگاه که تلاش شده است، روش تحلیل محتوا، برای اولین بار، طبق بررسی‌های انجام گرفته، در مورد یکی از مهمترین حوزه‌های تاریخ اسلام که متون آنها، بازگوکننده ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و دینی است، بکار گرفته شود. این حرکت، در حد خود، یک اقدام علمی است، حتی اگر نتوانسته باشد، روش مزبور را به طور کامل به اجرا در آورد.

آقای محمد جانی پور، یک دانشجوی ساعی و یک پژوهشگر پر تلاشی است که علاوه بر تقبل زحمات زیاد در یادگیری و آموزش روش تحلیل محتوا، سعی نمود که در پژوهش انجام گرفته، اصول آن را بخوبی رعایت نماید. محصول کار، کتاب‌ای گردید که در هفته پژوهش سال ۱۳۸۹ بالاترین امتیاز پژوهشی از طرف دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد را کسب نمود. این حرکت، بیش از آنکه به معنای بهترین کار انجام شده در این حوزه قلمداد گردد، که به‌هرحال شاید چنین نیز به حساب آید، اما مهم‌تر از آن به خاطر این است که نوعی از آغازگری بکارگیری روش‌های کیفی در تحلیل متون تاریخی دینی بوده است. این حرکت، یک حرکت شایسته

تقدیری بود که مورد توجه دانشکده مزبور و معاون محترم پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) جناب آقای دکتر اصغر افتخاری نیز قرار گرفت.

برای من نیز بسی افتخار است که در مدت آموزش محقق جوان این کتاب، راهنمایی کتاب و عملاً هدایت وی برای یادگیری بهینه این روش که می‌تواند به‌عنوان یکی از شیوه‌های مفید در مطالعات تاریخی و دینی قلمداد شود، را عهده‌دار بودم. باید اذعان کنم که تلاش این دانشجوی فرهیخته، بابی را در این زمینه گشوده است که می‌تواند در آینده سرمشقی برای تحقیقات بعدی باشد. همه این موارد، مدیون پیشنهاد ارزشمند دانشمند برجسته و دوست گرامی جناب آقای دکتر احمد پاکتچی است که دانشجوی را برای چنین اقدامی هدایت کرده و اینجانب را برای به ثمر رساندن آن مورد عنایت قرار داده است.

در پایان باید مجدداً تأکید نمود که آنچه که در این تحقیق انجام گرفته است، هنوز آغاز راهی است که می‌رود تا به یک پارادایم غالب در مطالعات تاریخی و دینی تبدیل شود. این نیاز، یک نیاز علمی است که مطالعه متن بدون در نظر گرفتن زمینه و فرامتن را یک حرکت عالمانه ندانسته و رویکرد میان رشته‌ای را، در شرایط کنونی، بهترین و معتبرین روش مطالعات و تحقیقات می‌داند.

تحول اساسی در علوم اجتماعی، که هم اکنون به یک رویکرد اساسی در کشور تبدیل شده است، نه تنها نیازمند بازنگری در علوم موجود اجتماعی و نظریه پردازی‌های جدید بر مبنای الگوی اسلامی- ایرانی دارد، بلکه فراتر از آن نیازمند، تجدید نظر در شیوه فهم رابطه انسان با خدا، انسان با انسان و انسان با طبیعت دارد. این مساله در شکل کلان آن نیازمند تبیین جهان‌بینی الهی به‌گونه‌ای است که زمینه ساز تبیین و تفسیر حرکت‌های

انسانی و زمینی باشد. این حرکت تفسیری، مقدمه‌ای برای بازنگری جدی در حوزه علوم اجتماعی خواهد بود. حوزه‌ای که جهان‌بینی الهی، علیرغم اساسی بودن آن، در مطالعات مربوطه مغفول واقع شده است.

جهان‌بینی الهی در فهم رویکردها، هنجارها و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان که هم اکنون در عنوان کلی مطالعات علوم اجتماعی مطرح می‌گردد، فیه تنها زمینه ساز تحول در این حوزه از علوم خواهد بود، بلکه اساس این تحول را تشکیل خواهد داد. یکی از مشکلات موجود در این حوزه عدم توجه جدی به بنیان‌های فلسفی و فکری است که بر مبنای آنها ساختار این علوم بنیان نهاده شده است. در این راستا اولین سوال این خواهد بود که از کجا باید آغاز کرد؟ آیا این آغاز به معنای تخریب همه بنیان‌های فلسفی، نظری و روشی موجود در این زمینه می‌باشد و یا اینکه یک حرکت تصحیحی و تعدیلی بیش از مرحله تخریب و ساختارشکنی لازم می‌باشد؟ آیا با تخریب بنیان‌های پیشین می‌توان ادبیات جهانی جدیدی را ایجاد کرد که برای انسان‌های دیگر نیز مورد فهم و پذیرش باشند؟

یکی از دلایل بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا در تبیین و تفسیر مکاتبات میان حضرت علی (ع) و معاویه در جنگ صفین، آزمودن راه بهره‌گیری از امکانات موجود به جای تخریب همه آن راه‌ها بوده است. این به معنای این نیست که این روش می‌تواند در همه موارد و در مورد همه متون یکسان عمل نماید. بلکه هدف این است که برخی از متون را می‌توان با روش‌های موجود تا آنجا مورد تحلیل قرار داد که به یک نتیجه قابل قبول برسند.

تعیین مراحل تعدیل، تغییر و تخریب نظری و روشی در علوم اجتماعی برای دستیابی به علوم اجتماعی بومی یا اسلامی - ایرانی، در حد خود

نیازمند یک پژوهش گسترده و عمیق می‌باشد. اولین سوال کلیدی در این زمینه این است که آیا تا کنون تلاش جدی در مورد کشف نقاط قوت و نقاط ضعف روش‌های موجود در حوزه‌های دینی، اجتماعی و فرهنگی انجام گرفته است؟ طراحی هر نظام فکری و فلسفی جدید الزاما نیازمند فهم و تبیین تجربه‌های اندیشمندانه دیگران نیست، اما به هیچ وجه نمی‌توان این تجربه‌ها را نادیده گرفت. فهم و تحلیل آن تجربه‌ها که تجربه انسانی در سطح کلان و در طول تاریخ به حساب می‌آید، نه تنها در طراحی‌های جدید ضروری است، بلکه بدون آن، نمی‌توان به یک تجربه کامل دست یافت.

بنابراین کاری که در این زمینه در مورد تحلیل مکاتبات مزبور صورت گرفت، یک تجربه جدید با استفاده از تجربه‌های موجود است. آنچه که از انجام این تجربه به دست آمد، اگر چه شاید کامل نباشد، اما از درجه روانی و اعتبار بالائی برخوردار است. به عبارت دیگر، آنچه که به دست آمد نه تنها با رویکرد دینی در تضاد نیست، بلکه در فهم متن دینی نیز می‌تواند به عنوان گامی مفید قلمداد شود.

امیدواریم که در این زمینه کارهای جدیدی صورت گیرد و نسبت پذیرش و عدم پذیرش بکارگیری روش‌های موجود در علوم اجتماعی کنونی برای فهم حوزه‌های مختلف مربوط به متن دینی، به ویژه متون تاریخی که از قدسیت کمتری نسبت به متون مستقیم دینی برخوردار هستند، سنجیده شود.

دکتر حسن بشیر

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

دیباچه

آنچه تاکنون در حوزه مطالعات تاریخ اسلام و حوادث دوران حکومت امیرالمومنین (علیه السلام) مطرح شده، بیشتر، تبیین تاریخی حوادث بوده که موجب شده بسیاری از جوانب فرهنگی و اجتماعی آن وقایع مغفول مانده و تنها به گزارشی شرح حالی از روند وقایع اکتفا شود. به نظر می‌رسد آنچه امروزه می‌تواند راه‌گشای فهم بسیاری از وقایع آن دوران باشد، تبیین دیدگاه‌ها و مبانی نظری آن حضرت علی (علیه السلام) از خلال کلام و گفتار ایشان است چرا که زبان آدمی، معرف شخصیت اوست و به واسطه فهم گفتمان هر شخص و چینش منطقی کلمات او در کنار همدیگر و تحلیل محتوای آنهاست که می‌توان به درکی جامع از دیدگاه‌های آن فرد دست یافت و همچنین با نگاهی کلی به منطق حاکم بر مجموعه باقیمانده از کلمات ایشان و تحلیل محتوای آنها، امکان بازسازی یک سامانه کامل و تصویرپردازی واقعه از نگاه آن حضرت (علیه السلام) به وجود می‌آید.

پیکار صفین با معاویه که در کلام حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) از آنان تعبیر به "قاسطین" شده، از جمله مهمترین حوادثی است که در دوران حکومت کوتاه امیرالمومنین (علیه السلام) روی داده و در حقیقت بزرگترین

حادثه دوران حکومت حضرت (علیه السلام) می باشد که پیامدها و آثار تأثیرگذاری در تاریخ اسلام داشته است.

در این کتاب به دنبال این هستیم که با بررسی مضامین نامه های مبادله شده بین حضرت علی (علیه السلام) و معاویه در جریان واقعه صفین، به روش تحلیل محتوای کیفی به نگاهی جامع در مورد مبانی و دیدگاه های حضرت (علیه السلام) در رابطه با آن موضوع دست پیدا کرده و علل وقوع و شکل گیری این جریان تاریخی و همچنین عبرت ها و پیامدهای آن برای حاکمان و مردمان جامعه اسلامی را به واسطه ارائه مدل های تحلیلی از کلمات حضرت (علیه السلام) تبیین نماییم.

در حقیقت این کتاب را میست، تلاشی برای به دست آوردن دیدگاه های سیاسی، مبانی فکری و عقیدتی و اخلاقی حضرت علی (علیه السلام) در رابطه با شخصیت معاویه و واقعه صفین دانست چرا که با تأملی دقیق و چینش منطقی کلمات و جملات، سخنان یا نوشته های افراد و تحلیل محتوای کیفی آنها می توان به اعماق اندیشه های آنان آگاهی یافت.

محمد جانی پور

تابستان ۱۳۹۰